

ارتجاع حاکم و حاکمیت اوین

برای خمینی که بیش از هر زمان دیگر حفظ حکومت خود را درگرو تشدیداختناق و خونریزی می دانست انتقال لاجوردی از اوین بسیار رنای خوشایند است ، اما حکومت اوین نیز مثل دیگر حکومت های استبدادی و ارتجاعی ، دربرابر بحران های گلویش را می فشرد و در زیر تیغ نفرت شده ها ، از یک سویر شمار جلادها پیش می افزاید و از سوی دیگر ناچار است فربگاران را نسیه بخری از منفورترین آنها را به پس برده براند .

علیرغم کشاکش های شدید درون هیأت حاکمه ارتجاعی همه دسته بندیها همانگونه که در رویا رویی با مردم بر منافع مشترک خودتکمی می کنند در پیگردوشنگنه و کشتار انقلابیون و صیحن پرستان همدل و همدست اند . روحانیون حاکم در صدور فتوای شکنجه و کشتار فرزندان گرامی خلق هیچکدام از "امام" خود عقب نمی مانند . اما همفکران "عاقل" خمینی دریا فتند که با سید بیشتر برده پوشی کنند و سیاهی گریه و خونین حکومت خود را در جلاب اسلای حکم تر مستورا زنده تا به قبول خود از "دافعه" بگانه ، ایفان با همه دنا شاست و ولایت خود تا مدی فهمیدند که چگونه بوی تعفن حکومت شان تا مردم را می آزارد از اینرو ، برای "حفظ آبروی حکومت ارتجاعی" بنیان کنی و استفاده ارتجاعی را پیشرفته تر و شیوه های زیرکانه تر بیگریزد و شکنجه و کشتار را بیشتر می کنند .

لاجوردی و شبگاران همگروهی هر با رکه به قاضی رفتند و قاضی برگشتند ، آنها برای اثبات "حقانیت" خود بالای سر شهیدان نقلی رسا و گویا از امامشان آویزان می کشند و با فریاد شمری شمارگسیور شهیدان از "امام" امفان شان دهند .

همدستان "عاقل" ایفان در حالی که سیه می کوشند حرف خود را به نقل قولی متکی سازند و برای "استحکام" موقعیت خود گویشت انقلابیون را به دندان می چونند برای "حفظ حکومت اسلام" و "حرمت" امام "دعوت به "هوشیاری" و "ملاطفت پیشگی" و "استفاده صحیح تر از وسایل" می کنند .

اما شعله های خشم و نفرت مردم را با تشدید خونریزی و با هیچیک از این "تدابیر" نمی توانند خاموش کنند .

دستگاه سرکوب و ستم نمی تواند در زات روبه رشد مردم و بحران درونی رژیم را مهار کند . بعکس در راستای گسترش جنبش و تشدید بحران حکومت نتوان این دستگاه کاهش می یا بدوش شیر شکنجه و اختناق کند و رومی اثر نمی گردد .

توده های میلیونی که تجربه انقلاب بهمین رایش رو دارند و آماج دهنده نشانترین شکل بهره کشی و ستم هستند تسلیم سیاست زور و رعب رژیم نمی شوند . مردم فریب حرفها و القاب و عناوین سران جمهوری را نمی خورند ، آنها دیگر "ولی فقیه" و "امیرمسند مستضعفان" را می شناسند ، آنها همانطور که از سفره خود خبردارند از دستاورد های حاکمیت اسلامی هم خبر می یا بند .

شهادت قهرمانانه رفیق قربانعلی مؤذنی پور

عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تشکیلات اصفاها ن وفا رس را به کار بست ، در ادبیهشت ماه ما مورین ردر رفیق را یا فیندوا این فرزند پاباکباخته خلق را به شهادت رسانند .

رژیم منفور پهلوی هم در خواب و خیال نا بودی سازمانها ، فداییان بسیاری را به جوخه عدا مسپرد و یا در شکنجهگاه و در جریان نبرد های خیابانی شهید کرد ، اما سرانجام ما ماندم و حکومت پهلوی به زباله دان تاریخ پرتاب شد .

رژیم جمهوری اسلامی دمندان نه ترا از اسلاف خود آرزوهای پهلوی ها و قا جا رها را برای نا بودی جنبش انقلابی ما تعقیب می کند ، اما حکومت خمینی نیز هرگز به این اهداف دست نخواهد یافت . با زهم ما خواهیم ماند ، با زهم ما پیروزی تویم و با زهم ما خواهیم دید .

فداییان خلق از شهید کمیته مرکزی خویش برای نبرد هر چه قا طعتر علیه ارتجاع ، علیه دشمنان مردم الهام می گیرند ، رفیق قربان در قلب فداییان جاودانه زنده است ، او در سنگرهای رزمگنارمانست و همراه ما ، همراه ما میلیونها مردم با خاسته ایران شاهد فرو بیختن با رگه استم ، نا بودی ارتجاع حاکم و سرانجام آزادی میهن و پیروزی مردم خواهد بود .

"قانون" نابودی مطبوعات

۱۹ بهمن ۶۲ ، مجلس شورای اسلامی کلیات طرح "قانون مطبوعات" جمهوری اسلامی را به تصویب رسانند . در تک مواد این قانون تلاشهای ارتجاعی و فاسیستی هیأت حاکمه علیه دمگراسی عیان و آشکار بیان شده است . هدف این طرح آن است که سیاست رژیم را در لگد مال کردن آزادی مطبوعات قلم ، بیان عقیده و استقرارا نسورشدهد ، که مدتهاست به مجوزهای شرعی آیت الهای مرتجع و بزرگوار سیزده ارگانهای سرگوب باچارا در می آید ، "قانونی" کند .

تصویب این "قانون" بهیچوجه ، به معنای آغاز یورش به مطبوعات آزادمترقی نیست . چرا که در رژیم جمهوری اسلامی آنچه وجود ندارد ، آزادی مطبوعات و بیان آزادانه نظرات ، انتقادات و عقاید است . آنچه که موجود است و جمهوری اسلامی از جمله بآن معرفی می شود ، دیکتاتور و استبداد در پیوش مذهب است .

مطابق این طرح ارتجاعی ، خفقان حتی گریبان مطبوعات حکومتی و شرکای نا را ضی هیأت حاکمه را نیز خواهد گرفت . یکی از نمایندگان مجلس حکومتی بقیه در صفحه ۳

جاودان بساد و پرره - روره او

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت حماسی رفیق قربانعلی مؤذنی پور

تجلی عزم و رزم انقلابی مردم علیه ارتجاع

در صفحه ۲

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

روز جهانی زن گرامی باد!

در صفحه ۲

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت ۱۹ بهمن

در صفحه ۳

تلاش زبوانه رژیم برای احیاء نظام ارباب و رعیتی

پیرامون لایحه "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی"

فعالیت کند و دولت موظف است با فراهم آوردن شرایط مناسبی از قبیل فروش یا اجاره ابزار تولید و ماشین آلات مشابه و دیگر تحویل مواد عروسه کردن خدمات و تسهیلات دولتی به کارگاههای تولیدی و بخشهای خصوصی "۱۰۰٪ سرمایه داران حمایت نامی (اطلاعات - ۶۲/۱۰/۲۵) وظایفی که این لایحه به دولت و بخش دولتی محول کرده است ، دولت و بخش دولتی را به همتا کند و را بطنه بخش خصوصی را سرمایه های امپریالیستی و در واقع به یکی از عوامل موثر گسترش و تعمیق وابستگی اقتصاد به کشورهای امپریالیستی مبدل خواهد ساخت . بدین ترتیب سرمداران رژیم علنا قانون اساسی خود را که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی مبتنی بر بخشهای سه گانه دولتی ، تعاونی و خصوصی تعریف کرده است و بخش خصوصی را بعنوان مکمل دولت و بخش دیگر معین ساخته است به کناری انداخته اند .

جنبش نظام اقتصادی که حکا خا شن جمهوری اسلامی برای استقرار آن می کوشند ، رندها هنگ بخشهای اقتصادی گوناگون را تخریب می کند ، وابستگی اقتصاد دکشور به امپریالیستها را تداوم می دهد ، نابرابری در توزیع درآمد در نتیجه فقر و محرومیت را افزایش می دهد ، همه شروتهای جامعه را در دست تعداد معدودی سرمایه دار بزرگ متمرکز می سازد و کارگران و رنجبران را به شکلی بس شدید و بدوی مورد استثمار قرار می دهد .

بقیه در صفحه ۶

سازمانها پس از سال وعده وصحبت از "عدالت اسلامی" و "اقتصاد توحدی" مجلس کلیات لایحه . بقیات ارتجاعی "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" را به تصویب رساند و به روشنی نظام اقتصاد را مورد نظر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را عیان ساخت .

این لایحه نه تنها تمام و کمال تا مین کشنده منافع کلان سرمایه داران و خا نها و فئودالهاست ، بلکه سرمایه بگردوی ترین شکل تا مین منافع این کارگران بود و بطور آشکاری خواهد جامعه و مناسبات اجتماعی را متناسب با خواست بزرگ مالکان بسیار به عقب برگرداند . این لایحه در بند بند آن نمایانگر "اصولی" بقیات فدرمندی و بسیا ر بدوی ارتجاعی است .

فصل اول لایحه مورد بحث که به "فعالیت تولیدی بخش خصوصی در صنعت" اختصاص یافته است ، بخش خصوصی را به بخش کلیدی در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی و دولت را به کارگزاران آن مبدل ساخته است . در این قسمت تا کید شده است که بخش خصوصی مجاز است بدون هیچ محدودیتی در تمام صنایع

ضرورت و فوریت اتحاد

در صفحه ۴

جنگ را قطع کنید ، مردم صلح می خواهند



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

روز جهانی زن گوامی باد!

بیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت ۱۹ بهمن

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

یک سال دیگر برسالهای کاپویکا رسا زمان برافشار شما که در کوره مبارزات پیچیده و دشوار بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی آبدیده ترشده است...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

طرحهای رژیم برای بیرون راندن زنان از محیطهای فعالیت تولیدی و اجتماعی را خنثی کرده با موانع جدی روبرو ساخته است. مخالفت و اعتراض عمومی زنان علیه غوغای چادری و موقدگی و عیبهای سیاسی و اجتماعی در راه صلح، دموکراسی، استقلال، عدالت و آزادی، در این مبارزه زنان ایران همواره جایی شایسته و افتخارآمیز داشته اند.

اینک زنان میهن ما در دشوارترین شرایط و سخت بی سابقه ترین شمول و سرکوب و تحقیر و توهین قرار دارند. حکام مرتجع جمهوری اسلامی ارتجاعی ترین سیاستها و قوانین را در تفریق و تبعیض علیه زنان و جوانان ایرانی است که سیاستهای فدرمدرمی حکومت با ادامه جنگ و تشدید روزافزون تروری و اختناق و لغارت و استئصال بر زندگی عموم مردم وارد می آورد.

ارتجاع زنان میهن ما را از بسیاری امکانات آموزشی، از حق کار و از فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی محروم کرده است. این اقدامات ارتجاعی و انواع تضییقاتی نظیر تحمیل چادری و بند و روسری و تهنیتهای جنون آمیز علیه زنان به بیچارگی و "حجاب"، به همین منظور انجام می شود تا بلکه زنان ایران را چون کنیزان و زنان حرم سرا در چرخه دیواری خانه و آشپزخانه محصور و سیرازند، قوا نیسند و احکام ارتجاعی به اجرا در آمده، تا برای زن با مرد را به رسمیت می شناسد و حقوق زن را در خانواده و جامعه نفی می کند. رژیم با ترویج شیوه منسوخ و منطقت چند همسری و ازدواجی موقت، شدیدترین آهانت و ستم را بر زنان روا داشته و بیساری از خانواده را متلاشی کرده است.

انکار بست و بوسیده سرمداران جمهوری اسلامی بیشرمانه برای زنان تنهایی از شعور، شخصیت و اعتبار انسانی را قابل است. در این افکار چپیزی جزیی عدالتی فاحش و آشکار در حق زنان و حتی دشمنی با موجودیت انسانی آنان نیست. زن را نه تنها، بلکه گناهگها و میدانهای اعدام جمهوری اسلامی با رزترین گناه در دنیا که جنایات بی شمار رژیم علیه هزاران زن و دختر انقلابی و مبارز میهن ما است.

علیرغم ددمنشی هیات حاکمه مرتجع جنبش زنان ایران بعنوان جزء تفکیک ناپذیر جنبش دموکراتیک و همگانی مردم ایران علیه ارتجاع حاکم می رژیم و با گامهای امید آفرین به پیش می رود. ایستادگی و مبارزه زنان بسیاری از نوظهورها و

گرواسی با دروژن در راه و افتخار بر همه زنانی که در راه آزادی و جمهوری می رزمند کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گرواسی با دروژن در راه و افتخار بر همه زنانی که در راه آزادی و جمهوری می رزمند کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گرواسی با دروژن در راه و افتخار بر همه زنانی که در راه آزادی و جمهوری می رزمند کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

را و مادر به تسلیم کنند. بسیاری از خانواده های توده ای، پدر و مادر و فرزند - که با هم در سلولهای تنگ و تاریک نگهداری می شوند، در نتیجه بستن چشمهای زندانیان با چشمبند های مخصوص به مدت شش ماه تا یک سال تعداد افرادی که بیچارگی خود را از دست می دهند رو به فزونی است. نبود بهداشت و درمان و تغذیه ناسالم موجب شیوع انواع امراض ریوی و پوستی میان زندانیان شده است. تعداد کشته شدگان زیر شکنجه بی شمر و بی سابقه های افزایش می یابد. زندانیان ایران از زندانیان سیاسی انباشته شده است. ارگانهای سرکوبگر شب و روز در همه جا در پی شکنجه افغان عقیدتی رزمند. موج بازداشتها در میان کارگران، دانشجویان و روشنفکران دوباره آغاز شده است.

توده ایهای دربند و دیگر میهن پرستان در شکنجه گاههای "اوین"، "اتاقهای تمشیت" و دیگر مراکز مخفی ارگانهای اطلاعاتی به وحشیانه ترین اشکال عذاب فیزی می بینند و تحقیر می شوند. برای چه؟ برای خواست آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح و وظیفه همه ما است که در باره این سربازان راهی خلق بیندیشیم و از هر راه که می توانیم به یاری آنان بشتابیم.

همسنگی با زندانیان سیاسی و مبارزه در راه آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان، وظیفه مقدس هر انسان شرافتمند و بشردوست در ایران و در سراسر جهان است. فقط با مبارزه پیگیر است که می توانیم هزاران مبارز راه رها نیسی توده های محروم را از مرگ حتمی نجات داد.

ما از همه بشردوستان آزاده در ایران و خارج از ایران، از همه سازمانهای مترقی می خواهیم تا صدای اعتراض خود را علیه جنایات نوبتی هولناکی که در سایه هلال رژیم در شرف تکوین است بلند کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۳ بهمن ۱۳۶۳

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۷ اسفند (۸ مارس) روز زن را به همه زنان ایران میمانا شا دیاش می گوید. ۱۷ اسفند تجلی بیگانه همبستگی زنان سراسر جهان در راه صلح، دموکراسی، استقلال، عدالت اجتماعی، در راه تامین حقوق برابر زنان بسا مردان است. در این مبارزه زنان ایران همواره جایی شایسته و افتخارآمیز داشته اند.

اینک زنان میهن ما در دشوارترین شرایط و سخت بی سابقه ترین شمول و سرکوب و تحقیر و توهین قرار دارند. حکام مرتجع جمهوری اسلامی ارتجاعی ترین سیاستها و قوانین را در تفریق و تبعیض علیه زنان و جوانان ایرانی است که سیاستهای فدرمدرمی حکومت با ادامه جنگ و تشدید روزافزون تروری و اختناق و لغارت و استئصال بر زندگی عموم مردم وارد می آورد.

ارتجاع زنان میهن ما را از بسیاری امکانات آموزشی، از حق کار و از فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی محروم کرده است. این اقدامات ارتجاعی و انواع تضییقاتی نظیر تحمیل چادری و بند و روسری و تهنیتهای جنون آمیز علیه زنان به بیچارگی و "حجاب"، به همین منظور انجام می شود تا بلکه زنان ایران را چون کنیزان و زنان حرم سرا در چرخه دیواری خانه و آشپزخانه محصور و سیرازند، قوا نیسند و احکام ارتجاعی به اجرا در آمده، تا برای زن با مرد را به رسمیت می شناسد و حقوق زن را در خانواده و جامعه نفی می کند. رژیم با ترویج شیوه منسوخ و منطقت چند همسری و ازدواجی موقت، شدیدترین آهانت و ستم را بر زنان روا داشته و بیساری از خانواده را متلاشی کرده است.

انکار بست و بوسیده سرمداران جمهوری اسلامی بیشرمانه برای زنان تنهایی از شعور، شخصیت و اعتبار انسانی را قابل است. در این افکار چپیزی جزیی عدالتی فاحش و آشکار در حق زنان و حتی دشمنی با موجودیت انسانی آنان نیست. زن را نه تنها، بلکه گناهگها و میدانهای اعدام جمهوری اسلامی با رزترین گناه در دنیا که جنایات بی شمار رژیم علیه هزاران زن و دختر انقلابی و مبارز میهن ما است.

علیرغم ددمنشی هیات حاکمه مرتجع جنبش زنان ایران بعنوان جزء تفکیک ناپذیر جنبش دموکراتیک و همگانی مردم ایران علیه ارتجاع حاکم می رژیم و با گامهای امید آفرین به پیش می رود. ایستادگی و مبارزه زنان بسیاری از نوظهورها و

گرواسی با دروژن در راه و افتخار بر همه زنانی که در راه آزادی و جمهوری می رزمند کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گرواسی با دروژن در راه و افتخار بر همه زنانی که در راه آزادی و جمهوری می رزمند کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گرواسی با دروژن در راه و افتخار بر همه زنانی که در راه آزادی و جمهوری می رزمند کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخیر رسیده از زندانیان ایران بگرانی آور است. رژیم که تا کنون با زیر پا گذاشتن اصول قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر، با وضع قوانین قرون وسطایی که با مفاد اعلامیه حقوق بشر و موازین مورد پذیرش جوامع مترقی مغایرت دارد و علیه آزادی عقیده و اندیشه سرهم بندی شده، سراسر کشور را به زندان تبدیل کرده و کورچکترین صدا مخالف و کمترین اعتراض زندانیان به اقدامات غیرقانونی و شیوه های ترور و اختناق را با شکنجه، زندان، اعدام و سربسته کردن پاسخ می دهد، توطئه جنايتکارانه جدیدی را تدارک می بیند.

سخن بر سر ادامه شکنجه های غیر انسانی برای وارد آوردن فشار به توده ایهای دربند است تا به اتهامات بی پایه و اساس حکام مرتجع "داوطلبانه" صبح بگذارند.

شکنجه زندانیان سیاسی با تکامل یافته ترین ابزار و آلات، مانند شوک الکتریکی و دستگاه "آبولو" امری است متداول، انسانها را سرودست می شکنند و زنده زنده، روی اجاقهای سرخ شده الکتریکی می نشانند. بهره گیری از انبساط داروهای مخدر و روانگردانی طبق اخبار موثق رسیده از زندان به قصد اخذ اعتراف یا شدت بیشتری آغاز شده است. تعداد توده ایهایی که تحت تاثیر آنگونه داروهای دچار بیماری های روانی شده و به تیمارستانها انتقال می یابند، رو به فزونی است.

زندانها توده ای در سخت ترین شرایط تسلیم نگهداری می شوند. آنان در "کمیته"، "اوین"، "قزل حصار" و غیره با عذابهای آنگاه روبرو هستند. نه زنان و نه خانواده های متهمین از تعقیب و زندان و شکنجه مصون نیستند. بستگان نزدیک و متهم را پیش چشم آزار می دهند تا او

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۳ بهمن ۱۳۶۳

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۳ بهمن ۱۳۶۳

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهار دهه مبارزه را...

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور تجلی عزم و رزم انقلابی مردم علیه ارتجاع

هم میهنان گرامی! رفقا و همزمانان! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تأسف و تألم عمیق شهادت حماسه آفرین رفیق قربانعلی مؤذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی و فدائیان خلق ایران (اکثریت) را تسلیت عرض می نماید و در غایت تسکین روح پاک آن شهید گرامی و تسکین دل عزیزان و بستگان آن بزرگوار، درگذشتگی آن بزرگوار را تسلیت عرض می نماید و در غایت تسکین روح پاک آن شهید گرامی و تسکین دل عزیزان و بستگان آن بزرگوار، درگذشتگی آن بزرگوار را تسلیت عرض می نماید...

هم میهنان گرامی! کارگران، دهقانان، همه رنجبران ایران! در هم شکستن ترور و خوفناکی، قطع پیگرد و شکنجه و کشتار فرزندان انقلابی شما، تا عین آزادیهایی سیاسی و حقوق مردمی و سرانجام آزادی میهن و بهروری مردم درگروا نخواهد بود... (Text continues with a call to action for the Iranian revolution)

مختصری از زندگی نامه رفیق قربانعلی مؤذنی پور

رفیق قربانعلی مؤذنی پور (رفیق احمد)، عضو مشاور کمیته مرکزی و دبیر کمیته های ایالتی فارس و امضا کننده نامه فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سال ۱۳۴۲، در دوران نوجوانی دشواریهای زندگی و زندگی دشوار خانواده او را رنج می داد. در دوران دبیرستان این مرآتیا با درک زندگی رنج بسیار مردم پیرامون درآمیختند، رفیق قربان در دوران دبیرستان به مطالعه روی آورد...

وقتی وارد دانشگاه صنعتی تهران شد، فقط ۱۹ سال داشت. اما همان هنگام هم پیوسته نمود. محیط پرتحرک و مبارز دانشگاه به او امکان داد تا دقیق تر بیندیشد و چشم انداز را بهتر تمیز دهد. هرچه بهتر می دید، در مبارزه علیه رژیم شاه ساختاری می شد. هنوز مدت کوتاهی از ورود او با کشف دانشگاه نگذشت، بود که فاعلیان سازمان با کشف روحیه بیگانه و مومم و انقلابی وی او را به سازمان معرفی نمودند و رفیق پس از یک دوره کوتاه در سال ۵۳ به عضویت سازمان درآمد.

از آن زمان رفیق شهید قربانعلی مؤذنی پور مرحله تازه ای از زندگی مبارزاتی خود را آغاز کرد. وظایف سازمانی که از سوی مسئولان او رفیق شهید بهمن روحی آشنکاران به عهده محول می شد با کشف مسئولیت و شجاری انجام می داد. هنوز یک سال از فعالیت او در سازمان سپری نشده بود که در ۲۵ تیر ماه ۵۴ به دست مأمورین ساواک دستگیر و در اوین زندانی شد.

جلادان اوین وحشیانه او را به زیر شکنجه کشیدند. آنجا نیز شکنجه گردیده و آثار وحشیگری آنجا تا آخرین روزهای زندگی رفیق دردهای او بر جای مانده بود. او را یک سال در سلول انفرادی، جدا از دیگران، زیر شکنجه نگه داشتند تا شاید اطلاعات سازمانی وی دست یابند. اما رفیق قربانعلی محکم ایستاد، شکنجه های وحشیانه ساواک را تحمل کرد و اسرار سازمانی خود را حفظ نمود. سرانجام با سفیدباری معدوم در برابر اراکه او تسلیم شد و به درامندگی خود اعتراف کرد. ساواک رفیق را بعنوان سرخس متعصب به بدگاه معرفی کرد و او را به بدگاه و تقاضا کرد. رفیق در بدگاه با قدرت از اندیشه و عمل خود دفاع نمود و اتهامات ساواک را یک به یک رد کرد. بدگاه او را به بدگاه دوم به ۱۵ سال زندان محکوم کرد، اما در بدگاه دوم به زندان ابد محکوم گردید. رفیق در تمام دوره زندان، در مبارزات زندانیان سیاسی قهرمانی جدی داشت.

او از رهبران اعصاب غذای یک ماه زندانیان قصر در سال ۵۷ بود. در آموزش و در ارتقای روحیه دیگران روحی زندانیان و در استحکام مقاومت و وفاداری زندانیان شیا نه روز تلاش می کرد. برای این کار شهید و شکنجه می شد، اما به راه خود ادامه می داد. سرانجام با گذشت درهای زندان قصر به دست توانای مردم قیام کننده میهن دردی ماه ۵۷ از زندان آزاد شد. پس از آزادی، بلافاصله کار انقلابی خود را در سازمان ادامه داد و برای این تشکیلات سازمان در تهران کوشید، او در این زمینه نقش موثر داشت. رفیق قربانعلی پس از انجام وظیفه در بدگاه دست سازمانی مهم دیگری در کمیته ایالتی فارس شت و در سال ۶۲ کمیته ایالتی امضا کننده نیز تحت مسئولیت وی قرار گرفت.

به پاس لیاقت و شایستگی رفیق قربانعلی، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بدگاه سوم ۲۷ خرداد ۶۱ او را به مقام عضو مشاور کمیته مرکزی ارتقا داد. مدتی پس از آن هیات سیاسی کمیته مرکزی تصمیم گرفت، بنا بر بیگاری، بیگسار ایثارگران و دلیرانه و نقش بسیار موثر رفیق در هدایت سازمانی ایالتی فارس و امضا کننده، او را برای عضویت کمیته مرکزی به بلنوم آتی کمیته مرکزی سازمان معرفی کند. اما به دلیل شرایط دشوار کشور و برگزاری بلنوم در موقع مقرر ممکن نشد. اما رفیق قربانعلی هم مسئولیتی را که می بایست به عهده بگیرد به عهده گرفت و در سنگر رهبری سازمان دلیرانه جنگید و خود را تا نه به شهادت رساند.

تصویب قانون ارتجاعی مجلس شورای اسلامی با وارد کردن اطلاعاتی در ماده ۱، با اصلاح تبصره ۲ از ماده ۲۵ و با آوردن یک تبصره به ماده ۲۸ که به موجب آن اخراج کارگر عضو شورای موسسات دولتی قبل از صدور رأی دادگاه مربوطه بلامانع می شود، این قانون را در جهت نظارت شورای تشکیلات اصلاح و تصویب رساند. قانون تشکیل شورای اسلامی کار را ارتجاعی و ضد کارگری است. کارگران با ایدما هیات ارتجاعی و تحمیل این قانون توسط دولت با بستن دوما منع اجرای آن شوند. کارگران باید دست به دست هم دهند، متحد شوند، مبارزه کنند تا عناصر ارتجاعی را از تشوایا متغیبه کنند. کارگران باید در راه تشکیل سندیکا و تشکیلاتی مستقل کارگری مبارزه را تشدید کنند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بهن ماه ۱۳۶۳

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این روزها سرسبز شده، چهار بار در سالهای ۴۹، ۵۰، ۵۱ و ۵۲ رهبری فدائیان خلق آماج حمله ترارگرفت و رهبران اعظم رهبران سازمان ما با درجریان حمله و زیر شکنجه ویا در برابر جرحه اعدام به شهادت رسیدند. ما همه این ضربات ناجعه آمیز را پشت سر گذاشتیم و هر بار نیرومندتر از گذشته مبارزه انقلابی را ادامه دادیم. سرانجام سازمان ما ماندگوستر و یا فت و بیا وچ قدرت و استحکام خود رسیده. امروز حکومت جمهوری اسلامی با ارتکاب جنایاتی در دهستانه تر، سرنوشتی تاریک تر از رژیم محمدرضا شاهی را انتظار می کشد. مرتجعین حاکم قصد دارند با تشدید هر چه بیشتر حکومت ترور و خوفناکی، با پیگیری سراسری، با زده شدن خانه به خانه و شکنجه و کشتار بی امان فرزندان انقلابی مردم پایه های لرزان حکومت خود را استوار کنند. حکومت آیت الله خمینی با این تلافیهای شیکارانه قصد دارد جنبش انقلابی را نابود کند و مبارزه کارگران، دهقانان، کارمندان،

جوادان با دمیشاق فدائیان با خلق. برافراشته با درپروم رزم انقلابی رفیق شهید قربانعلی مؤذنی پور.

جوادان یسار و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بهمن ماه ۱۳۶۳

"قانون" نابودی مطبوعات

بقیه از صفحه ۳ گفت که اگر این طرح تصویب شود دیگر کسی نمی تواند چیزی بنویسد و بر مطبوعات حکومتی نیز لجام زده می شود.

درنگ تک موا دویندهای این قانون سیاست سرکوب فاشیستی آزادیهای سیاسی توسط هیات حاکمه دیده می شود. سران رزم در این طرح حتی تیغ سانسور را علیه مطبوعات خودی و شلاق زندان را علیه شوکای خودیگاری اندازد. مطابق این قانون ارتجاعی، مطبوعات حکومتی از نقد مطالب جز مطابق متن طرح سران رزم منع شده اند. انتقاد، هروع انتقادی به مسئولان رژیم به بهانه هائنت جرم شناخته شده است. هر نویسنده ای جز به دلخواه هیات حاکمه بنویسد، به بهانه عدم صداقت شنویشل دادگاه می شود. "قانون" آشکارویی پرده مجازات برخی از مطالب جرایم انتقاد دکنندگان را شکنجه قرون وسطایی، یعنی شلاق تعیین کرده است. "قانون" آنچه را مطابق منافع کلان سرمایه داران و بوسزرت مالکان و مدافعان استبداد فقیه نباشد، به بهانه تشه و لهور و لغو و تجمل پرستی" با فرهنگ و هنر ملی می ستیزد و علم را خوار می شمرد. این طرح با ردیگری نشان می دهد که هیات حاکمه مرتجع به ناسودی فرهنگ و هنر ملی کمر بسته است.

فصل دوم این قانون رسالت مطبوعات را دادن "خط فکری" به مردم تعیین کرده و فصل سوم آن، حدود مطبوعات را مشخص کرده است. معنای واقعی این حدود و ادای است که مطبوعات قابل انتقادی فقط ابزار هیات حاکمه در حفظ حاکمیت کسبیلان سرمایه داران و بوسزرت مالکان و توجیه تحمیلات مذهبی و عقیدتی به جا مع و رنگ و لعاب زدن به سه چهره استبداد مذهبی است. تصویب کلیات این قانون ارتجاعی در مجلس بار دیگر نشان می دهد که همه دسته بندیهای درون دستگاه، تا چه اندازه از طرح هرگونه انتقاد خیا نتها و جنایات رژیم در مطبوعات و درجا معبه وحشت دارند و تا چه اندازه در سرکوب هر حرکت آزاد اندیشانه ای احساسات مشترک نشان می دهند و متفق القولند.

جنايات رژیم علیه انقلابيون را محكوم ميکنيم

مطابق اطلاعیه مورخ ۲۳ بهمن روابط عمومی وزارت اطلاعات رژیم، جنايات تا زه ای علیه انقلابيون کشور مرتکب شدند. مطابق این اطلاعیه، ادعا شده است که ارگانهای سرکوب رژیم اخیرا عده ای از فعالين گروهی را که ۳ سال پیش از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انشباع کرده اند (گروه کشتگر) مورد هجوم و بازداشت قرار داده اند. اطلاعیه همچنین مدعی شده است که رژیم حدود ۲۰ نفر از مجاهدين خلق را نیز در شهرهای مختلف دستگیر کرده و با به شهادت رسانیده است. هدف وزارت اطلاعات ارتجاعی حاکم از انتشار خبر این جنایات و اقدامات مذکور آن است که حول آن جنایات و تبلیغات برای آنداد و شوکت های مکرر و طمی خود را در تشکیلات و ایستادگی انقلابيون پنهان نگه دارد. بیگانه های سخن پرانی امپریالیستی نیز این تبلیغات را با آب و تاب انعکاس دادند. رژیم مدتها تلاش کرد تا این فکر را به مردم القا کند که گویا قدر قدرت است و کسی را زای ایستادگی و مقاومت در برابر آن نیست. اما توده های مردم سازمانهای انقلابی این لافها را با کسرتش مقابله و مبارزه خود علیه هیات حاکمه مرتجع پاخ دادند. امروز نیز با اطمینان باید گفت که این تبلیغات و جنایات رژیم هرگز اثر از تشکیلاتی تازه نجات نخواهد داد.

ما این جنایات رژیم را محکوم می کنیم و برای شکست تلافیهای سرکوبگرانه آن، از هیچ کوششی فرو گذار نخواهیم کرد. ما با ردیگری اعلام می کنیم که راه نجات میهن از جنگل استبداد و استقرار دیکراسی در کشور، با بیان دادن به حاکمیت ارتجاعی بر کشور است. تنها با همکاري و اتحاد عمل همه نیروهای ملی و دلاکراتیک ایران در پیچه واحداست که حاکمیت تشکیلاتی ارتجاعی سریعتر با این می یابد و راه برای استقرار مملود مکرسی در کشور تا بین استقلال ملی و عدالت اجتماعی هموارتر می شود.



رژیم، مسئول فاجعه اعتیاد

از لحاظ سیاسی دشمنان خونخوار مردم ما ستون پنجم نفرت انگیزی از این تبهکاران و قربانیان تشکیل می دهند.

سیاست بغایت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در مورد افغانستان یکی از عوامل مهم شیوع مواد مخدر است. با ندهای ضد انقلابی و قاچاقچیان حرفه ای افغان و ویا کستانی و برخی از سردمداران مرتجع منطقه بلوچستان و سیستان که مورد حمایت همه جانبه رژیم قرار دارند، با سوء استفاده از فقر و فلاکت و جهل و عقب ماندگی مهاجرین افغانی، مواد مخدر را به تمام نقاط کشور منتقل می کنند. این با ندها از اردکنندگان اصلی تریاک ۳۵۰ هزار کیلوگرمی به کشور می رسانند.

جنگ ویرانگر و توسعه طلبانه رژیم و عوارض شوم آن از عوامل عمده و زمینه ساز زگسترش اعتیاد و فساد است. اکنون دیکر ساله فساد و زگسترش مواد مخدر در سایر نقاط درجه های مختلف و وفور مشاهده می شود بخصوص در میان بسیجی های جوان و اعتیاد وسیع شیوع یافته است. بلا تکلیفی، نومیثدی و شرایط سخت جبهه ها و مهمتر از همه بی هدفی و نداشتن انگیزه روشن و پایدار، جوانان را به شدت تحت فشارهای روحی و روانی قرار می دهد در نتیجه ضعیف ترین آنها به مواد مخدر و سایر انحرافات روی می آورند.

گسترش تصادفی رشوه خواری، فساد و اختلاس در دستگاه دولت، قاعدتاً شکی با و نا منیهای شغلی و اجتماعی و ناشی بودن حدوداً اختیارات و مسئولیتها و بنا محدود بودن اختیارات و خودکامگی ما مورین، زمینه های بسیار مادی برای قاچاقچیان کردن کلفت و با صلاح مومن و مسلمان بوجود می آورد که با طرق شرعی و غیر شرعی به فعالیت تنگین خود ادامه دهند.

در جمهوری اسلامی مسئولیت نسبت به سر نشوشت و آینده جوانان میهنمان معنا و مفهومی ندارد. جوانان گوشه دم توپ است و وظیفه اصلی آن این است که به جبهه جنگ بروند و در نوزاد بسوزند. برقراری مقررات ارتجاعی در مدارس، دبیرستانها و دانشگاهها که مشخصاً چیزی جز ترویج و تبلیغ چاوسی، ووروبی، ظاهرا برای هرگونه نداشتن و پستی نیست، بستن دانشگاهها به روی دهها هزار جوان، محروم کردن جوانان از هرگونه وسیله تفریحی و پرورشی سالم، مبارزه با هنرپیشرو، تا ترسینگی و بکلی بوج و بی محتوا کردن آنها، جلوگیری و "حرام" کردن موسیقی مورد علاقه توده های مردم، تبلیغ و ترویج انواع خرافات و اوها و مطالب ضد علمی

اخیراً "دایره بین المللی کنترل مواد مخدر" وابسته به سازمان ملل متحد گزارش سالانه خود را در مورد وضعیت مواد مخدر در جهان منتشر کرده. مطابق این گزارش جمهوری اسلامی ایران در راس تمام کشورهای دنیا از لحاظ مصرف و اشاعه مواد مخدر و اعتیاد قرار می گیرد. این بخودی خود یک فاجعه بزرگ اجتماعی و ولکه سیاه و چرک آلود دیگری بر سر دامن تنگین سران خیانت پیشه و مرتجع جمهوری اسلامی است.

مطابق گزارش سازمان ملل متحد: در ایران حدود ۱/۵ میلیون نفر به تریاک و یک صد هزار نفر به استعمال هروئین که بیشتر قربانیان آن در میان جوانان شهری دیده می شود، مبتلا شده. تنها در ایران و پاکستان معتادین میان ۵۰۰ الی ۸۰۰ هزار کیلوگرم تریاک به مصرف می رسانند.

ایجاد این فاجعه شوم در کشور به حدی گسترش یافته که سران رژیم نیز مجبور به اعتراف بیسده آن شدند. شش ماه پیش (شهریور ماه) سرهنگ صمیمی رئیس شهربانی رژیم اعتراف کرده بود که ۴۰۰ هزار مخدر در ایران به مصرف می رسد. این اعتراف در مورد مواد مخدر جمهوری اسلامی چندین بار بر تده است. چندی پیش اندکی بعد از انتشار گزارش سازمان ملل متحد، رادیو جمهوری اسلامی طی یک برنامه چند قسمتی در مورد مواد مخدر مباحی ای بسیار رییس شهربانی ترتیب داد. در این مصاحبه وی اعتراف کرده که تاکنون ۱۷ هزار کیلوگرم مواد مخدر کشف و ضبط ۷۰ هزار قاچاقچی بازداشت شده اند. او بار دیگر اذعان کرد که میزان اشاعه اعتیاد در قریباً سه سال قبل از انقلاب بیشتر شده است.

بر اساس اعمال سیاستهای ضد مردمی و ارتجاعی سران رژیم، متأسفانه سوداگران مرگ موفق شدند بخش بزرگی از جوانان میهنمان را قربانی منافذ پلیدو و توطئه های جناحکارانه خود سازند. همه روز در گوشه و کنار با آنها معتادین با حالت وضعیست وقت انگیز دیده می شوند. این قربانیان نیز بنوبه خود در گسترش و آلوده تر ساختن محیط سهیم می شوند. محیطی که آنها می توانستند آن را به زندگی نکبت بار خود دادا مه دهند، فوق العاده کثیف و بکلی ضد اخلاقی است. عده ای از آنها به عوامل حلقه های گوش عالمین بزرگ و قاچاقچیان جناحکارانه تبدیل می شوند که به مید جوانان و حتی نوجوانان برای حمل و اختفای مواد مخدر و ممتد کردن آنها مشغول اند. بدون شک در میان این جمعیت ۵۰۰۰۰۰ نفری کسه در سرتا سر کشور پخش اند، صدها هزار رزق، فاسدان اخلاق، مولدین فساد و تبهکاری و رواج دهندگان انواع انحرافات اخلاقی و غیره برورده می شوند.

و خلاصه تلاش برای مذهبی کردن تمام شئون زندگی اجتماعی و فردی همه و همه شرایط اجتماعی و روانی مسا عدومستندی برای در غلطیدن جوانان به کام هولناک مواد مخدر و سایر انحرافات اخلاقی بوجود آورده است.

رژیم مدعی است که علیه قاچاقچیان مواد مخدر "قاپطمان" مبارزه می کند و مدعی است که با ایجاد مراکز و جزایر برای اصلاح بازساز معنای آنها را معالجه و به زندگی مادی باز می گرداند. قاطعیست رژیم چیزی جز یک رشته اقدامهای بی حساب و کتاب نیست. آنچه به عنوان آموزش و رشد معنایی مطرح می کنند در واقع چیزی جز جسم اقدامات بربرمنشانه نیست.

در این زمینه اشاره ای گذرا به یکی از این مراکز واقع در نزدیکی گنبدکاووس به انداز که گویاست: این مرکز شامل ۲۵۰ الی ۳۰۰ معتاد است. داشتن ریش اجباری است. اجیره غذایی در هر سه وعده در روز منحصر به نان و پنیر است. به کسی سیگار نمی دهند، کاروبیگاری اجباری است. وضع ظاهری آنها واقعا تکان دهنده است همگی با ریش بلند و کثیف و لباسهای کهنه و مندرس رنگهای بریده و زرد... به صورت انسانی نشانی نشیبه و شکی نگه داری می شوند. ماهی سه نفر بطور متوسط فوت می کنند. آنها بیکه مدت بیشتری در اردوگاه به سر برده اند، در چنین محیطی دیوانه شده اند. بسیاری "بازسازی شخصیت معتادین" هفته ای یک بار سخنرانی می کنند که در آن ضمن تهدید و فحاشی (ریگیک) دایما تاکید می کنند که "استکبار شرق و غرب" شما را به این روزا نداخته اند... چنین است نمونه ای گویا از این مراکز با مطلق سالم سازی. معتادین، بقینا از این مراکز کسی سالم بیرون نمی آید.

خائنین به انقلاب برای توجیه مسؤلیت مستقیم خود در بوجود آوردن این فاجعه مدام از توطئه "انگلیزها" و "استکبار جهانی" و "شرق و غرب" سخن می گویند، آنها در بیانیه می گویند که کشورهای سوسیالیستی ربا کشورهای امپریالیستی در یک ردیف قرار داده، مردم از آفرید دهند. کشورهای سوسیالیستی ده سال است ساله اعتیاد را بطور ریشه ای و بنیادی حل کرده و اصولاً باید به اعتیاد در و برور نیستند، این امپریالیستها و رژیمهای مرتجع چون جمهوری اسلامی هستند که درست متناسب با سیاستهای ضد مردمی خود زمینه این فاجعه های اجتماعی را فراهم می سازند. این رژیم جمهوری اسلامی است که با اقدامات ضد سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود تبهکاری عظیمی در حق مردم ایران روا می دارد.

تلاش زبوانه رژیم

فصل دوم لایحه مورد بحث به فعالیت بخش خصوصی در کشاورزی اختصاص یافته و در واقع تکلیف مساله زمین را یکسر کرده است. این بخش از لایحه کرده است تا با استفاده از مناسبات نفوذالی وحشی ما قبل نفوذالی به احتیاجات تریب مورث دهقانان زحمتکش را استنما کنند. در این بخش که در واقع لایحه زمین است، هیچ حرف و صحبتی از آواگسازی زمینهای بزرگ مالکان نه دهقانان بی زمین و زمین زمین در میان نیست. محکم خیانت کار جمهوری اسلامی بی شرمانه چشم خود را به ورطه معضل حدود ۴۰ میلیون خانوار دهقانان بی زمین و روم زمین بسته اند و تنها مالکیت بزرگ مالکان ۳/۵ میلیون هکتار از بهترین اراضی دایرگزار و زری را قانونی کرده اند، بلکه ستادین زالوهار برای غصب زمینهای موات به هم میزبان بازگذاشته و به این امر جنبه قانونی داده اند.

بندهای الف و ب ماده ۹ و ماده ۱۰ لایحه مزیورتنها مواردی است که به زمینهای دایر (بند "د" سابق) اشاره شده است. در این بندها آمده است که: "زمین خراجی زمینهای است که به صورت آباد... از غیر مسلمین در جنگی به امیران و اذن و لسی معصوم به قهر و غلبه به غنیمت گرفته شده است" و "زمین آبادی که از غیر مسلمین در جنگی که بدون اذن یا امرولی معصوم بوده به قهر و غلبه به غنیمت گرفته شده است". اختیار اینگونه اراضی "بسیا والی مسلمین است و به هیچ وجه قابل تملک نیست". در اینجا بیچ و سخن از بزرگ مالکان و زمین خواران نیست، در اینجا سخن از "غیر مسلمی" است (نه بزرگ مالک مسلمان) که از سوی "ولی معصوم" (نه میلیونها دهقان زحمتکش و محروم امورد همجور قرار گرفته باشد). در اینجا مساله تاج و زبده دیگر کشورهای و اشغال زمین مردم آنجا مطرح است که صد البته بزرگ مالکان و ولی معصوم آنها را اگر می کند.

شعاع دایره ای از مواد دیگر این بخش از لایحه به زمینهای موات (بند "ج" سابق) و چگونگی مالکیت آنها، "احکام حریم" و "احکام متحجیر" و... از این

لذا کلات اختصاص یافته است. در سایر این مواد تصریح شده است که هیچکس حق تصرف زمینهای موات را که نفوذالیها و بزرگ مالکان آنها کرده و در آنها خانه باشند، ولی مالک آنها اعراف نکرده باشد را ندارد. یعنی زمینهای موات را به چه طور آنها لکه که اعراف مالک آنرا ثابت نشده باشد قابل تصرف نیست و کماکان متعلق به مالک است. درمو ارد دیگر نیز به تخیل و چوکتترین الیوتی برای دهقانان محروم و بی چیز داری اراضی موات در نظر گرفته شده است، بلکه بیکن سردمداران جمهوری اسلامی تسا توانستند بزرگ مالکان و سرمایه داران را در تصرف زمینهای موات یاری رسانند.

در ماده ۲۸ لایحه اشاره شده است که: "هرگاه کسی زمین موات را تحجیر نماید (بوسیله ای حدودش را مشخص سازد)... نسبت به محدوده تحجیر شده حقیق الیوت در احیاء پیدا می کند و دیگران حق ندارد بدون اجازه او آن محدوده را احیاء نماید و اگر کسی آنرا احیاء نماید مالک نمی شود". در ماده ۳۰ آمده است که: "هرگاه تحجیر کننده بیش از مقدار ریگ می تواند احیاء کند، علامت گذاری کرد فقط نسبت به همان مقدار ریگ که توانایی دارد، حق اولیوت پیدا می کند". یعنی اگر بزرگ مالکی کیلومتر در کیلومتر حدود زمینهای مشخص ساخت معان اراضی به مالکیت او درخواهد و مدو هیچکس حق تعرض به وی را ندارد. چون کیشه های او از پول ناشی از غارت دسترنج مردم پراست. بدین ترتیب لایحه ارتجاعی موربدخت حتی زمینهای موات را عمل بطور عمده در اختیار ریسز بزرگ مالکان و خائنها و کلان سرمایه داران قرار داده است و دهقانان زحمتکش را محروم ساخته است. به قبول برخی نمایندگان در مجلس رژیم بدین ترتیب خانهای جدیدی پیدا خواهند شد.

بخشهای دیگر این لایحه به توجیه "عوامل تولید در کشاورزی و سهم هر یک از آنها" و فعالیت بخش خصوصی در باغداری اختصاص یافته است. در این قسمتها نیز کوشش شده است عقب مانده ترین روابط نفوذالی نظیر مزارع و مساقات احیاء شود شرایط برای استنما و رخصت شده دهقانان زحمتکش توسط بزرگ مالکان بیش از پیش فراهم گردد. در ماده ۲۸ آمده است: "در صورتیکه مالک بزرگ مالک زمین ساز برعکس از زمینهای بیسختی آن نباشد می توانست از اجاره یا مزارع استفاده کند". در ماده ۲۳ تصریح

از میان گزارشها

اعتصاب در شهر صنعتی البرز

حدود دو ماه قبل کارگران واحدها و پرسنل شهر صنعتی البرز (در قزوین) به طوریکه چاره دست به اعتصاب بردند. علت اعتصاب اعتراض به نحوه برخورد مسئولین با طبقه بندی مشاغل بود. کارگران ضمن برپایی گردهمایی مطالبات خود را طرح کرده و اجرای آنها را خواستار شدند. این اعتصاب با استقبال دیگر کارگران شهر صنعتی البرز مواجه شد. پاسداران با اینکه اقدام به شناسایی و دستگیری فعالین اعتصاب نمودند، اما نتوانستند کارگران را به شکستن اعتصاب وادار سازند. در پی وعده های استاندار زنجان پس از سه روز اعتصاب خاتمه یافت.

خبرهایی از مبارزات کارگران باختران

* در شرکت بنادر واقع در باختران حدود ۲۵۰ کارگر کار می کنند. مسئولین این شرکت دستمزد ماهیانه کارگران را همواره با تاخیر بسیاری پرداخت می کردند. در ادامه این روش خلاف قانون، اخیراً به مدت چهار ماه پیاپی از اواخر تابستان تا ماه آذر به کلی از پرداخت دستمزد کارگران سرباز زدند. مراجعات مکرر کارگران برای دریافت دستمزد های معوقه چهار ماهه به نتیجه ای نرسید. در پی آن در نیمه آذر کارگران دست از کار کشیدند و در محل دفتر شرکت اجتماع کردند. اعتصاب تا چندین روز ادامه داشت و در پایان کارگران موفق شدند مدیران و مسئولین شرکت را به پرداخت همه مطالبات معوقه وادار کنند.

* در شرکت صنعتی توزین، واقع در شهرک صنعتی باختران نیز کارگران در اعتراض به تاخیر همیشگی در پرداخت دستمزد ماهانه، دست به اعتصاب زدند. پس از دو روز اعتصاب، مدیریت تسلیم این خواسته برحق کارگران گردید و اعتصاب با پیروزی پایان یافت.

* در سال ۶۰ یکی از کارگران مبارز کارخانه کشمیر باختران را به نام علی صفر ملائی به "جرم" اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، از کار اخراج کرده بودند. چندی پیش - در بیست و سوم آذرماه - این کارگر اخراجی در یکی از خیابانهای باختران با چند تن از ایادی انجمن اسلامی کارخانه روبرو شد. آنها راه را بر این کارگر مبارز بسته و او را زجر ممتد و لگسد گرفتند. او باش انجمن اسلامی با این وحشیگری در همان کنار خیابان علی صفر ملائی - این کارگر شریف را - به قتل رساندند. باین ترتیب جنایت دیگری در کارنامه جنایتا جمهوری اسلامی ثبت شد.

دو نمونه از مبارزات زنان زحمتکش

علیه ارتجاع حاکم

* از آغاز سال تحصیلی جاری، بسیاری از مهد-کودک ها را در سراسر کشور تعطیل نمودند. این اقدام برای خانواده ها و بویژه زنان کارگر و کارمند مشکلات بسیاری ایجاد کرده است. در طول ماه های گذشته در بسیاری از شهرهای کشور، علیه این تضییق تازه رژیم اعتراضات صورت گرفته است. از جمله در رشت زنان کارگر کارخانه کونی بافی در اعتراض به تعطیل مهد کودکان کارخانه چندین روز در جلوی در ورودی کارخانه تحصن کردند. این حرکت از حمایت دیگر کارگران نیز برخوردار بود. متحصنین در طی این مدت حتی برای صرف غذا، نیز محل را ترک نمی کردند. ما بجات آنها توسط همسرانشان به محل تحصن آورده می شد.

* محله ایستنی ها در بندرعباس از محلات فقیرنشین می باشد. مردم این محله برای تامین آب آشامیدنی به شدت در مضیقه هستند. آب این محل گاه تا چندین شبانه روز توسط سازمان آب قطع می گردد. علیرغم اعتراض مکرر مردم اخیراً آب به مدت سه روز مجدداً قطع گردید. در اعتراض به این وضعیت زنان به اسنادی را می کنند و در مقابل بی تفاوتی مسئولین در اسنادی به مدت سه روز تحصن می نمود.

تراکت زری به همین مناسبت از سوی فعالین فدایی در بندرعباس، پخش گردید؛

مردم زحمتکش بندرعباس؛
حرکت زنان زحمتکش محله ایستنی ها و تحصن بیش از ۵۰ نفر آنها در اسناداری، بعد از سه شبانه روز بی آبی، هتداری است به مسئولین که بجای طرحهای آبرسانی، متخصصین و کارشناسان آب را جهت طرحهای جنگی (طرح سلمان) به جبهه اعزام می کنند.

مردم مبارز بندرعباس!
برای پایان دادن به بی آبی، جنگ و ویرانی علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم.

تظاهرات گسترده ضد حکومتی مردم دورد

در دیماه در شهر دورد (واقع در استان لرستان) تظاهرات گسترده چندروزه ای علیه سردمداران حکومتی و سیاستهای آنها برپا شد. پیش خیر اقدامات شنیع و فسادانگیزی یکی از نزدیکان محمودی، امام جمعه این شهر، بر زمین نفرت عمیق مردم از اقدامات ضد مردمی حکومت و مسئولین منطقه، بویژه محمودی، باعث آغاز این حرکت اعتراضی شد.

در روز ششم دیماه مردم دورد، بطور همگانی در خیابانها براه افتادند و با شعار مرگ بر امام جمعه به راهپیمایی پرداختند. روز بعد در نماز جمعه، محمودی به تهدید مردم برخاست و اعلام داشت: مرگ بر محمودی یعنی مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی. او مردم را از عواقب این کار و شعار، برحذر داشت و بدنبال آن عسده کثیری دستگیر شدند.

با وجود این در روز بعد - هشتم دیماه - نیز تظاهرات تکرار شد. این بار مردم دورد علاوه بر شعارهای پیشین، شعارهایی برای آزادی زندانیان نیز می دادند. از آنجا که در میان با ندهای حکومتی منطقه، اختلافات درگیریهای شدیدی بروز کرده بود، برای سرکوب مردم نفرت سپاه را از خرم آباد و واحدهای شهربانی را از بروجرد به دورد احضار کردند. آنها برای سرکوب کردها ساختن این تظاهرات گسترده اقدام به تیراندازی هوایی و پرتاب گاز اشک آور نمودند و بازهم گروه دیگری را دستگیر و روانه زندان ساختند. این اعمال وحشیانه بر آتش خشم مردم دامن زد. روز بعد - نهم دیماه - تظاهرات همچنان ادامه می یابد. بدستور مقامات حکومتی، نفرت ارگانهای سرکوب همانند روز قبل به تظاهرات کنندگان حمله ور شدند. در این روز ۲۵۰ تن از تظاهرات کنندگان را دستگیر کردند. از آنجا که زندانیهای شهر در پی دستگیریهای روز قبل برده شده بود، سائین ورزشی سرپوشیده را به زندان تبدیل کرده و بازداشت شدگان را در آنجا زندانی نمودند.

اما مردم دورد در روز دهم دیماه نیز تظاهرات را از سر گرفتند. این بار زنان در تظاهرات نقش و سهم عمده را داشتند.

تداوم این حرکات اعتراضی مردم دورد چنان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را متنگار ساخت که از طرف ریاست جمهوری، هیئتی به سرپرستی میرعلی به این شهر اعزام شد. آنها با مردم به مذاکره پرداختند و به هر ترتیبی که می توانستند مردم را به پایان دادن به تظاهرات وادارند.

گزارشی از ایلیچی

در شهر کوچک ایلیچی واقع در استان آذربایجان شرقی مدتی پیش ۶۸ نفر از اهالی را به اتهام "فصیح" زمینهای یکی از فتوادها و زمین خواران معروف منطقه بنام اربابزاده فقیه، دستگیر کرده بودند. زمینهای مورد اختلاف، بخشی از اراضی موات حاشیه این شهر است که چند سال قبل گروهی از زحمتکشان این شهر آن را در ازاء پرداخت قیمت روز از شهرداری خریداری کرده بودند. این اراضی طبق قانون "اطلاعات ارضی رژیم پیشین از دست این فتواد خارج شده بود. اما در سال جاری که فقهی دریافت همه چیز در حکومت جمهوری اسلامی به کام او است، یک بار دیگر دعوی سابق را از سر گرفت. مقامات قضایی نیز این دعوی را تأیید کرده و طی حکمی دستور دادند زمینهای مزبور به او تحویل داده شود. این در حالی است که زحمتکشان ایلیچی روی این زمینها خانه ساخته بودند. در پی مقاومت مشروع و برحق آنها بود که آیدستگیری وسیع صورت گرفت. اکنون که مدتی از این رویداد می گذرد، علیرغم همه اقدامات و پیگیریهای که توسط اهالی صورت گرفت، هنوز ۴ تن از دستگیرشدگان در زندان هستند.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در منطقه با وجود اینکه با اینگونه رذالتهای نفرت و انزجار مردم ایلیچی را بیش از پیش نسبت به خود تراشیده اند، آنگهی را به این شهر فرستادند تا برای کمک به جبهه کارکنان، پیاز جمع آوری کنند. ایلیچی از مراکز اصلی تولید پیاز در کشور است و قیمت پیاز در سال جاری چنان تنزل کرده که حتی یک چهارم مخارج کاشت و برداشت را هم تامین نمی کنند. بهای پیاز در منطقه در ماه آذر برای هرمن تبریز (۵۰ کیلوگرم) فقط ۱ تومان بود. از این رو نتیجه زحمات یکساله کشت و زراعت این منطقه در انبارها در حال پوسیدن است. با وجود این مردم حاضر نشدند پیازهای در حال پوسیده شدن و بی مشتری را هم به اکیب جمع آوری کمک به جبهه تحویل دهند.

پیام کمیته مرکزی سازمان به

بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست فرانسه

رفقای گرامی!
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزاری کنگره حزب برادر، حزب کمونیست فرانسه را به شما شرکت کنندگان در کنگره، همه اعضا، حزب و طبقه کارگر فرانسه صمیمانه شادباش می گوید.

نبرد دیرینه حزب شما در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم جای برجسته ای در تاریخ مبارزات طبقه کارگر و بشریت ترقیخواه دارد. کمونیستها و سایر نیروهای میهن پرست و همه مردم ایران به یاد دارند که حزب شما همواره بطور پیگیر از مبارزات پشتمانی به عمل آورده است. اینک با ردیگر استبدادی قرون وسطایی برمیپهن ما حکم می راند، مرتجعین حاکم با عسنادی سفیاهی می کوشند خرد، منطق و احساس پاک انسانی را با ترهات ارتجاعی و قتری خود به بند کشند و هر ندای مخالف را وحشیانه سرکوب کنند. جنگ میان ایران و عراق را که تا کنون مدتها هزار کشته و معلول بیار آورده است لاجوانه ادامه می دهند و به این ترتیب زندگی مردم میهن ما را روز دوشوار و دشوارتر می کنند. نیز در جهت خواست دشمنان صلح جهانی، منطقه ما را متشنج می سازند.

در ایران نه تنها تمام سازمانهای انقلابی و مترقی و بویژه کمونیستها را به رذیلانه ترین شکل ممکن سرکوب کرده و می کشند، بلکه هر حرکت اعتراضی و بخصوص مبارزات عادلانه طبقه کارگر به شدت مورد یورش ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی قرار می گیرد.

انقلابیون میهن ما که اینک در شرایطی چنین دشوار به نبرد علیه رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی ادامه می دهند، ایمان دارند روز روشن فردا چندان دور نخواهد بود. مردم ایران در این لحظات سخت مبارزه در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برای یاری احزاب کمونیستی و کارگری و سایر نیروهای دمکراتیک آرزوی بسیاری قائل هستند.

رفقا! بیگمان تصمیمات متخذه در این کنگره تاثیر مهمی در مبارزه طبقه کارگر و مردم فرانسه در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم و همبستگی انترناسیونالیستی بر جای خواهد نهاد. ما صمیمانه برای کنگره و حزب شما آرزوی پیروزی می کنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام تبریک به رفیق زورمارشه

رفیق گرامی!
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گزینش مجدد شما را به سمت دبیرکل حزب کمونیست فرانسه شادباش می گوید. برای شما در انجام وظایف بزرگی که بر عهده دارید آرزوی پیروزی می کنیم. بیگمان در آینده حزب کمونیست فرانسه تحت رهبری شما به پیروزیهای بازم بزرگتری دست خواهد یافت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیام بمناسبت سالگرد تاسیس

جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

رفقای عزیز؛
بهترین شاد باشای ما را بمناسبت سالگرد تاسیس جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین بپذیرید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره بطور پیگیر از مبارزات خلق فلسطین پشتیبانی به عمل آورده است. رزم استوار شما علیه امپریالیسم، امپرونیسم و ارتجاع منطقه رزم مشترک ما است. با اغننام فرصت یک بار دیگر همبستگی خود را با شما در مبارزه دلیرانه ای که پیش می برید ایران می داریم. ما با علاقتندی مساعی ستایش انگیز شما را در راستای تحکیم وحدتی رزمجویانه در صفوف جنبش مقاومت مردم فلسطین پیگیری کرده و برای آن آرزوی پیروزی می کنیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کوششهای جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و همه نیروهای دمکرات و میهن پرست فلسطین در جهت طرد اشغالگران از سرزمینهای اشغال شده درود می فرستد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

